

جاده گوریس - قاپان در سیونیک ارمنستان؛ جاده‌ای که پس از پیروزی باکو در جنگ دوم قره‌باغ، دسترسی ایران به ایروان، پایتخت ارمنستان را با مشکل مواجه ساخته است.

باکو بدون معامله‌ی مسکو - آنکارا نمی‌تواند قره‌باغ را دوباره پس بگیرد. پس خواهان دسترسی به نخجوان و ترکیه از طریق کریدور زنگزور در استان سیونیک ارمنستان است.

کریدور تنها شامل جاده‌های ترانزیتی و راه‌آهن نیست؛ بلکه، دربردارنده‌ی شبکه لوله‌های انرژی، زیرساخت‌های تجاری و خطوط فیبر نوری است. در واقع، کریدور دو نقطه‌ی جغرافیایی الف و ب را بهم می‌پیونداند و همزمان، زیرساخت اقتصادی، حقوقی و اخیراً تکنولوژیک میان این دو نقطه را نیز تغییر می‌دهد.

راه‌اندازی کریدور در قفقاز می‌تواند با درهم‌تنیدگی اقتصادی، از تنش‌ها میان باکو و ایروان بکاهد. مشکل اما درخواست باکو برای کنترل کریدور زنگزور است. تاریخ ثابت کرده که «نخست، راه می‌آید و پس از آن، تسخیر سرزمینی!» راه‌اندازی کریدور زنگزور را گام نخست باکو در جاه‌طلبی ارضی بدانید.

بازیگر اصلی در کریدور زنگزور، ترکیه است. گو اینکه آنکارا از طریق تفلیس، خطوط سه‌گانه راه‌آهن، نفت و گاز تا باکو را ایجاد کرده، اما اکنون خواهان تسهیل دسترسی بیشتر به آسیای مرکزی از طریق این کریدور است. جای شگفتی نیست که زنگزور یکی از سه عنصر بنیادین استراتژی جدید "قرن ترکیه" است.

شگفت آنکه ایران، سال‌هاست خواهان تسریع در پل دوم زمینی از طریق محور قارص - ایغدیر - بازرگان است چرا که راه‌آهن کنونی به دریاچه وان رسیده و متوقف می‌شود! رهبران ترکیه اما نقشه‌ی آینده‌ی کریدورها را از هم‌اکنون کشیده و بر یک مسئله توافق دارند: دوردن ایران برای دستیابی به آسیای مرکزی و چین!

اسرائیل نیز با تشدید حضور خود در شمال رود ارس، سودای جبران حضور ایران در لبنان دارد. تل‌آویو ۴۰ درصد از نفت خود را از باکو وارد کرده و در عوض، بر ارسال جنگ‌افزارهای مدرن، از پهباد تا سامانه‌ی ضد موشکی، به این کشور افزوده و از پایگاه هوایی سینالچای و در آینده نزدیک، زنگیلان در خاک جمهوری باکو استفاده می‌کند.

حجم ارسال سلاح اسرائیلی به جمهوری باکو افزایش یافته که نشان از تحکیم رابطه‌ی استراتژیک باکو - تل‌آویو دارد.

گزارش‌هایی نیز از حضور مزدوران بنیادگرای تکفیری در شمال رود ارس هست. در مقابل، گروهی منتفذ در تهران فقط نسبت به رزمایش ایروان با آمریکا حساس شده و هنوز قره‌باغ را "خاک اسلام" می‌خوانند!!

ایران ضمن تاکید بر حق حاکمیت باکو بر قره‌باغ کوهستانی، برای راه‌اندازی کریدور شمال - جنوب در محور رشت - آستارا اقدام کند و باید محور پارس‌آباد - اردبیل - تبریز - ماکو را جایگزین زنگزور مطرح کند که نیازمند ایجاد راه‌آهن پارس‌آباد - میانه و بازرگان - ایغدیر و تبدیل اردبیل به "بندر خشک" است. جنگ واپسین ابزار است!

همچنین، ایران باید راه‌اندازی چاده‌ی ترانزیتی و خطوط انرژی تبریز - ایروان را با گذر از عمق استان سیونیک ارمنستان دنبال کند. چرا که امروزه جاده و خط لوله، همچو دژ دفاعی، و رای مرزها عمل می‌کند. در صورت تشدید تنش، ایران باید دو سوی رودخانه‌ی ارس را تا عمق ۳۰ - ۵۰ کیلومتری در کنار فضای هوایی سیونیک، کنترل کند.

راه‌اندازی کریدور زنگزور در کنار از دست رفتن سه جزیره‌ی ایرانی در خلیج فارس ضرباتی است که در آینده نزدیک، تمامیت ارضی ایران را برهم می‌زند؛ آینده‌ای محتمل که پیامد انفعال ویرانگر کشور در قفقاز و خلیج فارس است. آینده‌ای که با پدیده‌ی فرونشست، تداوم خواهد یافت. گام پس از زنگزور را در تبریز ببینید!

فرونشست:

ایران هیچ‌گاه نمی‌تواند و نباید با قدرت‌های بزرگ اتحاد استراتژیک داشته باشد. پس خردمندانه نیست که کشور را هم‌نوشت با یک یا چند قدرت بزرگ نامید. چرا که رابطه این قدرت‌ها با ایران بر پایه‌ی (frenemy ترکیبی از friend و enemy) است؛ هم‌زمان در یک حوزه دوست (friend) و در حوزه‌ی دیگر دشمن (enemy) هستند.

علیرغم فقدان اتحاد استراتژیک، ایران اما می‌تواند گونه‌ای شراکت پایدار و ائتلاف موقتی با این قدرت‌ها در حوزه‌هایی مشخص برقرار کند؛ چرا که منطق ژئوپلیتیک حکم می‌کند که ایران، زندگی در شکاف را دنبال کند. وگرنه پس از دوره‌ای فرسایش ژئوپلیتیک و انزوای اقتصادی، دچار فرونشست می‌شود.

حذف از روند اقتصاد جهانی بدلیل بی‌برنامگی داخلی و تحریم‌های خارجی از طریق دورزدگی توسط کریدورهای زمینی - دیجیتال به فرسایش ژئوپلیتیک انجامیده است. مثل فرسایش خاک، تشدید این نوع فرسایش می‌تواند به فرونشست بینجامد: ناگهانی، سریع و بی‌کباره در برابر چشمان بهت‌زده!

فرونشست را دریابید.